

نگاهی به کتاب موج نوی فرانسه:
یک مکتب هنری

موج نو و تغییر در ساختار جهانی سینما



اعتبار خود را از دست داده بودند. شاید ظهور فرم‌های مدرن سینما در این دوران ناشی از تردید و سوءظن شدید در مورد تمامی فرم‌ها و ارزش‌های اخلاقی و زیبایی شناختی پیشین بوده است.

تأثیر جهانی

یگانه دوست با اشاره به تأثیر جهانی موج نوی سینمای فرانسه می‌گوید: موج نو نشان داد سینما، همان تاریخ سینما است و فیلمسازان بیش از هر چیز می‌بایست با فرم‌های سینمایی پیش از خود آشنا باشند. خلاقیت تنها در بستر فرم‌های پیشاپیش موجود امکان بروز و ظهور می‌یابد و برای پیشرفت زبان سینما نیاز به کارگردان‌های جوانی است که در گیر اقتصادات سینمای تجاری نشده باشند و بتوانند در تولیدات کم هزینه با آزادی عمل بیشتر فرم‌های استاندارد را یک گام به پیش برند.

وی اضافه می‌کند: علاوه بر این موج نورهی به فیلمسازان جهان نشان داد که از اهمیت فراوانی برخوردار است. هر سینمایی در جهان که سودای رقابت با هالیوود در سر داشته باشد شکست خورده است. توان فنی و اقتصادی هالیوود قابل مقایسه با سینمای سایر کشورها (صرف نظر از هند) نیست. اما موج نو نشان داد که سینما لزوماً نیازمند سرمایه هنگفت و امکانات نامحدود نیست. در واقع سینما ذاتی واحد ندارد، یا به عبارتی یک فرم صحیح برای فیلمسازی وجود ندارد. موج نو برای بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران راهگشا بوده است. مشخصاً در اروپای شرقی و آمریکای لاتین می‌توان تأثیرات موج نو را به عینه مشاهده نمود.



نویسنده ابتدا
چند ویژگی بنیادین
و مشترک تمامی
مکتب هنری را
بر می‌شمارد و سپس
می‌کوشد نشان
دهد که موج نو واجد
تمامی این ویژگی‌ها
است

* موج نو و سبک جدید در بازیگری

این مترجم با اشاره به محتوای کتاب درباره تأثیر موج نو بر بازیگری نیز می‌گوید: بر اساس متن کتاب می‌توان مدعی شد که سبک جدیدی از بازیگری در سینمای موج نو دیده می‌شود. اما بی‌تردید ورود چهره‌های جدید و در ابتدا آماتور و نیز شیوه بازیگری بازگردانی معطوف و ارتجالی فیلمسازان از مفهوم بازیگری تعریف جدیدی ارائه داد. در بازیگران موج نو نوعی خودانگیختگی، بی‌قیدی و آزادی عمل دیده می‌شود که بیش از آنکه ناشی از سبکی مدون باشد به واسطه فقدان هر گونه قید و بند سبکی پدید آمده است. بازیگران موج نو آزاد بودند هر کاری که دوست داشتند را انجام دهند یا هر حرفی که در لحظه به ذهنشان می‌رسید بیان نمایند. یگانه دوست اضافه می‌کند: موج نو انقلابی زیبایی شناختی بود که تمامی وجوه سینما از اقتصاد و شیوه تولید تا ساختارها و مضامین را دگرگون و متحول کرد. سینمای موج نو بسیاری از قید و بندها را از میان برد و منبع الهام چندین نسل از فیلمسازان و علاقمندان سینما در سراسر جهان شد. شاید بتوان گفت که موج نو زمینه را برای شکل‌گیری تجارب نوین، تولید فیلم‌های خلاقانه کم هزینه و گسترش هنر سینما در اقصی نقاط جهان فراهم کرد.

نداشتند و سبک زندگی آن‌ها آشکارا در تضاد با سبک زندگی نسل پیش از خود بود. وی می‌گوید: موج نو پیش از آن که در مورد نسل جوانی از فیلمسازان فرانسوی به کار رود در مطبوعات آن دوران برای اشاره به این شیوه نوین زندگی به کار رفت. اما بخشی از همان جوانان در سینمای فرانسه نیز آغاز به کار نمودند و نه فقط زیبایی شناسی غالب و استاندارد سینما را به چالش کشیدند، بلکه از طریق بازنمایی سبک زندگی خود به مضامین و موضوعات جدیدی پرداختند که پیشتر جایی در فیلم‌های سینمایی نداشت. یگانه دوست درباره فرضیه بنیادین میشل ماری نیز توضیح می‌دهد: این نظریه می‌گوید که با وجود تنوع فراوان فرم و سبک سینمایی در موج نوی فرانسه می‌توان آن را به منزله مکتبی هنری تلقی کرد. او ابتدا چند ویژگی بنیادین و مشترک تمامی مکتب هنری را بر می‌شمارد و سپس می‌کوشد نشان دهد که موج نو واجد تمامی این ویژگی‌ها است. موج نو دارای آموزه انتقادی، مانیفست و نظریه پرداز است و در تقابل با مکتب پیشین خود است. علاوه بر این مجموعه‌ای از فیلمسازان آثار خود را مطابق با معیارهای مانیفست آن ساخته‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد حق با میشل ماری است و موج نو را می‌توان مکتبی هنری دانست.

تحول سینمای فرانسه با شروع جریان موج نو

این مترجم اضافه می‌کند: به نظر من مهمترین اتفاقات در حوزه فنی و صنعتی سینما بود. دوربین‌های سبک، نگاتیو سریع و حساس، منظره‌یاب‌های غیر بازتابی و تجهیزات پیشرفته‌تر صدارداری، امکان تحول زیبایی شناختی سینما توسط فیلمسازان موج نو را فراهم کرد. علاوه بر این تحولات عمیق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به سینما نیز راه یافت و خصوصاً در اروپا و فرانسه که نه فقط زخم‌های جنگ هنوز التیام نیافته بود بلکه جنگ سرد و تهدید هسته‌ای نیز بر آن نمک می‌پاشید، ارزش‌های سنتی

در دهه ۵۰ میلادی جریان جدیدی در سینمای فرانسه شکل گرفت که در آن فیلمسازان، سینمای پیشین فرانسه را دگرگون کرده و سبکی نو در ساخت فیلم ایجاد کردند. این جریان توسط چند تن از منتقدان جوانی که در مجله کایه دوسینما می‌نوشتند آغاز شد و به دیگر کشورهای جهان سرایت کرد. به این جریان موج نوی سینمای فرانسه گفته می‌شود که در آن فیلمسازان جوانی که از منتقدان در مجله کایه دوسینما بودند، به سینمای فرانسه آن زمان که بیشتر آثاری اقتباسی بود معترض بوده و نقدهای تند و تیزی نسبت به آن‌ها می‌نوشتند. آن‌ها وارد عرصه فیلمسازی شده و از قواعد فیلمسازی پیشین خود هم از نظر تصویری و هم از نظر روایی روی گردان شده و تنها برشی از زندگی را در فیلم‌های‌شان نشان دادند. از پیشتران این جریان می‌توان به فرانسوا تروفو با فیلم چهارصد ضربه و ژان لوک گدار با فیلم از نفس افتاده اشاره کرد. موج نو تلاش می‌کرد تا از سبک و سوزهای متفاوت در ساخت فیلم استفاده کند. موج نوی فرانسه حیات تازه‌ای به سینمای این کشور داد. میشل ماری استاد مطالعات سینما، آثاری درباره تاریخ سینما و زیبایی‌شناسی تألیف کرده است که کتاب موج نوی فرانسه؛ یک مکتب هنری یکی از آثار اوست. ماری در این کتاب از شروع موج نوی فرانسه تا مفاهیم انتقادی، شیوه‌های تولید فیلم و توزیع، شیوه‌های زیبایی‌شناسی، بازیگران و تأثیرات موج نو در سینمای جهان سخن گفته است. این کتاب توسط محمدرضا یگانه دوست ترجمه شده است. گفت‌وگویی با وی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانیم.

این مترجم درباره موج نو سینمای فرانسه می‌گوید: پس از جنگ جهانی دوم و رهایی فرانسه از اشغال آلمان نازی، تحولی فراگیر و گسترده در ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی به وقوع پیوست که حدود بیست سال بعد به جنبش دانشجویی مشهور ۱۹۶۸ منجر شد. نسلی از جوانان پا به عرصه نهادند که به ارزش‌های اخلاقی و جهان‌بینی پدران خود باور